



امام صادق علیه السلام:

شخصی از امام ششم علیه السلام پرسید: عقل چیست؟ فرمود: چیزیست که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت به دست آید. آن شخص گوید: گفتم پس آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: آن نیرنگ است، آن شیطن است، آن نمایش عقل را دارد، ولی عقل نیست.

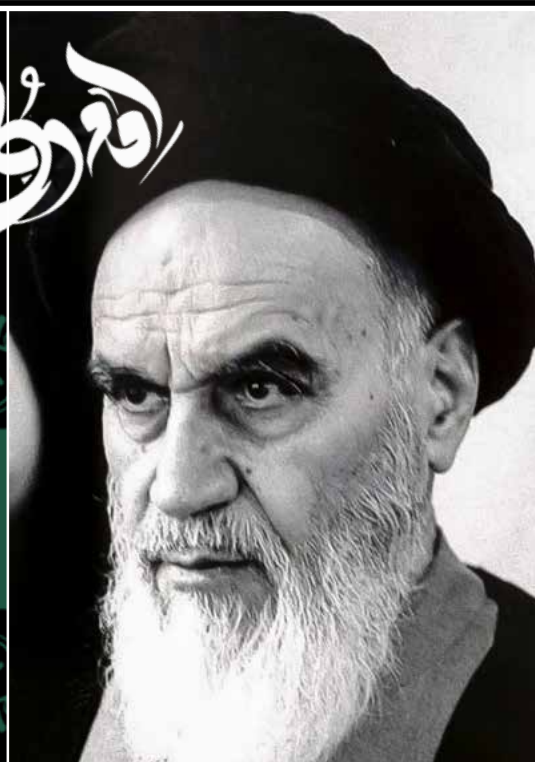
الکافی، ج ۱، ص ۱۱



این جاذبه به نظیر امام بزرگوار ناشی از چیست؟

امام مختصات شخصیتی ای و موهبت‌هایی را دارا بود و خدا به او داده بود که این مختصات، این خصوصیات در کمتر کسی در این حد جمع می‌شود. امام این خصوصیات را داشت: انسانی بود شجاع، انسانی بود باحکمت و باتدبیر، انسانی بود پارسا و پرهیزکار و دلبسته به خدای بزرگ، دلباخته به ذکر الهی؛ امام مردی بود ظلم‌ستیز؛ با ظلم کنار نمی‌آمد، با ظلم مبارزه می‌کرد، حامی مظلوم، استکبارستیز؛ امام مردی بود عدالتخواه، طرفدار مظلومان، حامی مظلومان؛ اهل صداقت، با مردم صادق بود، با مردم همان‌جوری سخن می‌گفت که دل او بود و احساس قلبی او بود؛ با مردم صادقانه رفتار می‌کرد؛ در راه خدا اهل مجاهدت بود، آرام نمی‌نشست، دائم در حال مجاهدت بود؛ [امصادق] این آیه شریفه: فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ از یک کار بزرگ که فراغت پیدا می‌کرد، چشم به یک کار بزرگ دیگری می‌دوخت و آن را دنبال می‌کرد؛ اهل مجاهدت فی سبیل الله بود؛ این‌ها عوامل جاذبه امام است. این خصوصیات در امام مجتمع شده بود؛ هر کسی با این خصوصیات باشد، دل‌ها به سمت او جذب می‌شود؛ این‌ها همان عمل صالحی است که خدای متعال می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ این وعده الهی است؛ این محبت‌ها هم محبت‌های الهی است، محبت‌های تبلیغی و تحمیلی و تلقینی نیست؛ کار خدا است، دست خدا است.

بیانات در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)



رحلت جانگداز معمار کبیر انقلاب تسلیت باد





راهکارهایی

برای بهتر شدن جهش تولید

گزیده‌ای از بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی

چرامی‌گوییم جهش تولید؟

به خاطر اینکه ما از لحاظ تولید عقبیم.

ما نیاز به توسعه بیشتر تولید و تقویت بیشتر تولید و پیشرفت بیشتر تولید داریم که حالا من نکاتی را در این زمینه عرض می‌کنم.

حرکت موتور اقتصاد کشور، در گرو مشارکت مردم

نکته اول این است که این را بدانیم که قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از سازوکارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها - البته نه همه انواع سوسیالیسم - این فکرها را کردند که بتوانند دولت‌ها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیت‌های گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم.

وظایف دولت در جهش تولید:

۱- حمایت و رفع موانع

۲ و ۳- مبارزه با قاچاق و منع جدی واردات بی‌رویه

۴- مبارزه با فساد اداری و مالی

۵ و ۶ و ۷- رعایت حقوق مالکیت، پرهیز از سوداگری‌های زیان‌بخش، معافیت یا وضع مالیات بهبود فضای کسب و کار ممنوعیت واردات بی‌رویه ملازمه جهش کمی همراه با جهش کیفی

مفهوم «کار» در اسلام؛ به معنای عام و به معنای خاص اقتصادی

کار در اسلام به دو معنا، یک مفهوم شناخته شده است؛ هم کار به معنای عام، یعنی شامل کار معنوی، دنیایی، اخروی، اقتصادی، فکری، جسمی، بدنی و در مجموع کار، [یعنی] عمل؛ هم کار به معنای خاص اقتصادی که امروز، مسئله کار و کارگر به معنای ویژه خود در دنیا مطرح است؛ کار به هر دو معنا در اسلام مطرح است. هدف اقتصاد کشور؛ تولید ثروت و تقسیم عادلانه آن بین آحاد مردم

خب هدف اقتصاد کشور چیست؟ هدف اقتصاد عبارت است از تولید ثروت و تقسیم عادلانه آن. یک اقتصاد سالم این جور اقتصادی است که بتواند ثروت را در کشور تولید کند و آن را به نحو عادلانه، به نحو صحیح بین آحاد مردم کشور تقسیم کند؛ این اقتصاد، اقتصاد سالمی است. کارگر؛ یکی از عوامل درجه اول در تولید ثروت

برای رسیدن به این اقتصاد سالم دو سه ستون اصلی وجود دارد؛ یک ستون اصلی عبارت است از ستون کارگر؛ بنابراین یکی از عامل‌های درجه اول تولید ثروت در کشور عبارت است از کارگر؛ البته کارگر هر چه ماهر باشد، نوآور باشد، خلاق باشد، طبعاً نتیجه کار برتر و بالاتر است. لذا است که یکی از وظایف ما در زمینه مسائل کارگری این است که بتوانیم دانش و مهارت نیروی انسانی‌مان را ارتقا بدهیم. یکی از وظایف بنگاه‌های اقتصادی این است که بتوانند دانش و مهارت نیروی کار را، نیروی انسانی موجود را افزایش بدهند و ارتقا بدهند؛ این می‌تواند نتیجه مطلوبی ببخشد.

در نقطه مقابل هم کارگر است که طبعاً با مهارت بیشتر، با احساس مسئولیت بیشتر - که آن احساس مسئولیت، همان «فَاحْکَمَه» یا «فَاتَّقَه» در روایت است - کار را محکم‌کاری کند، متقن انجام بدهد، درست انجام بدهد، سهل‌انگاری نکند؛ این وظیفه مشترکی است بین کارگر و کارفرما.

واقعیت تلخ است؟



قرآن کریم از گروهی از مردم زمان نزول قرآن که منکر و مخالف قرآن بودند، نقل می‌کند که می‌گفتند: «خدايا! اگر این قرآن حق است، سنگی از آسمان بر سر ما بفرست که ما یک آن زنده نماییم.»

خیلی عجیب است که بشر به حالتی دربیاید که حقیقت آن قدر برای وی تلخ و ناگوار و غیرقابل تحمل باشد که بگوید خدايا! اگر این حق و حقیقت است و ثابت خواهد ماند و نفوذ پیدا خواهد کرد، من را ببر که آن را نبینم؛ در صورتی که مردم باید این چنین باشند که از خدا بخواهند که اگر فلان مطلب حق است، سینه مرا برای درک و فهم آن باز کن و مرا آماده پذیرش آن گردان. بلی این طور است؛ بشر گاهی به قدری مزاج روحی و اخلاقی و فکری‌اش مباین و منافی با حق و عدالت و درستی و ایمان می‌گردد که حاضر است بمیرد و یا حقیقت روبه‌رو نشود.

در عرف ما شایع است که می‌گویند: «با حقیقت تلخی روبه‌رو شدم.» اینجا این سؤال هست که مگر حقیقت هم ممکن است تلخ باشد؟ مگر نه این است که در انسان میل و عشق به حقیقت آفریده شده؟ پس چرا حقیقت تلخ گردد؟

جواب این است که از یک نظر هیچ چیزی در ذات خود تلخ یا شیرین، زشت یا زیبا، خوشبو یا بدبود نیست؛ این امور چیزهایی هستند که ذهن ما آن‌ها را خلق می‌کند، اما نه به طور گزاف و بی حساب. مقصود این است که تلخی یا شیرینی و یا زشتی و زیبایی و یا خوشبویی و بدبویی با ساختمان و اوضاع و احوال طبع ما و مزاج روحی و جسمی ما ارتباط دارد.

اینکه می‌گویند حقیقت، شیرین و لذیذ است، برای طبیعت‌ها و روحیه‌های سالم و بی‌غرض است که خواهان واقعیاتی می‌باشند که هست، اما برای یک روحی بیمار و آلوده به اغراض، گاهی حقیقتی از هر تلخی تلخ‌تر است، تا آنجا که تاب مواجه شدن با آن را ندارد و از خدا می‌خواهد که اگر فلان چیز حق است، مرا بمیران که آن را نبینم. از علی علیه السلام سؤال شد که اسلام را توصیف کند؛ فرمود: «طوری توصیف خواهم که تاکنون کسی توصیف نکرده است. اسلام تسلیم است.»

این کلمه بسیار بزرگ است؛ یعنی حقیقت اسلام عنادداشتن و تعصب‌نداشتن و لجاج‌نداشتن با حقیقت است؛ اسلام این است که بشر درباره حقیقت تسلیم باشد.

منبع: کتاب «پرسش‌های قرآنی، پاسخ‌های مطهری»، حمید کمالی، صص ۱۷۴ تا ۱۷۶



تقویم و روزشمار ماه شوال

۱ شوال: عید فطر

۱۴ خرداد: رحلت حضرت امام خمینی

۴ شوال: جنگ حنین

۱۵ خرداد: قیام ۱۵ خرداد

۵ شوال: ورود حضرت مسلم علیه السلام به کوفه

۱۵ شوال: جنگ احد و شهادت حضرت حمزه علیه السلام، وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام

۶ شوال: توقیع برای حسین بن روح

۱۷ شوال: جنگ خندق

۸ شوال: ویرانی قبور ائمه بقیع علیهم السلام

۲۵ شوال: شهادت امام صادق علیه السلام

تربیت در محیط خانوادگی

آیت الله مجتبی تهرانی



● پوشش حضرت زهرا
سلام الله علیها هنگام ایراد

خطبه فدک

من به مناسبت ایام بروم
سراغ بحث راجع به حضرت
زهرا سلام الله علیها که ایشان
در رابطه با قضایای فدک،

به مسجد رفتند و جمعیت هم همه آنجا بودند که
خطبه معروفشان را خواندند. من نمی خواهم وارد خطبه
بشوم، آنکه مورد استشهاد برای بحثم است، این است که
نقل شده حضرت هنگام خروج «لَا تُتْ خِمَارَهَا عَلٰی رَأْسِهَا»
«لَا تُتْ» به معنای پیچیدن است، می گوییم «لَا تُتْ الْعِمَامَةُ

عَلٰی رَأْسِهَا» خمار یک چیزی بوده است بزرگ تر از
روسری های فعلی، یعنی سر و گردن و همه این ها را
می پوشانده، وقتی که خبردار شدند که مردم از مهاجر و
انصار در مسجد جمع شدند، حضرت بلند شدند و
خمار را به سر مبارکشان بستند، به نحوی که تمام
سر و گردن را پوشانند، «وَأَشْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا» جلباب یک
پوشش سراسری بوده که روی لباس بوده، الآن در مناطق
عرب نشین تعبیر به عبا می کنند، ما می گوییم پوشش
برتر؛ چادر. این را هم بر سرشان انداختند که تمام بدن
پوشیده شد.

● پوشش در میان همراهان

«وَأَقْبَلَتْ فِي لَمْعٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءٍ قَوْمِهَا» یعنی
حضرت همراه با گروهی همسن و سال ها، هماینگ ها، از
یاران و اعوان خودشان حرکت کردند. اول مسئله پوشش
شخصی بود که چگونه خودش را پوشاند، بعد مسئله
همراهان. اینجا درباره این پوشش و نحوه خروج، دو
احتمال وجود دارد؛ یکی این است که این گونه پوشش
دادند، اعوانشان را خبر کردند و آمدند دور حضرت
زهرا را گرفتند، برای این بود که وقتی حضرت زهرا
سلام الله علیها می خواهند خارج شوند، در بین این
اجنبی ها، حتی پیکره اش را هم نبینند. حتی پوشش
چادر آن قدر بلند بوده که وقتی حضرت می خواستند
حرکت کنند، بخشی از این پوشش، زیر پای حضرت
می رفته است. من این ها را خواندم برای اینکه
می گویند حضرت زهرا تشریف بردند مسجد و حتی در

● پوشش والدین، حیا را شکوفا کرده یا سرکوب
می کند؟

● او به فرزندش حیا، عفاف و پاکدامنی آموزش
می دهد؟ یا سرکوب کردن حیا در درون او را
آموزش می دهد؟

● حیا از فطریات است. حیا یک بحث مستقل
است. این مطلب را بعداً بحث می کنم که حیا
از فطریات انسان است. آیا دارد حیا را در درون
فرزند شکوفا می کند؟ یا دارد این فطرت را در
درون او سرکوب می کند؟

● تو کدام یک از این ها را انجام می دهی؟

بحث اینکه اراده کردی یا نکردی، قصد کردی یا
نکردی نیست؛ هیکلت را که این گونه پوشاندی، همین
پوشش تو، بخواهی یا نخواهی به بچه آموزش می دهد.
چه پدر، چه مادر، خودشان و نزدیک ترین تبعات آن ها،
یکی پیکره شان، بعد هم آن چیزی که به پیکره شان
می پوشانند، این به بچه آموزش می دهد.

این مباحث کاملاً حساب شده و دقیق، همه با آنچه
که خداوند در نهاد هر انسانی به ودیعه گذاشته است،
همسو است. پیکره ات باید به گون های باشد که آنچه
که خدا در نهاد او قرار داده است، آن را شکوفا کنی نه
سرکوب کنی!

می خواستم این را عرض کنم که این سه خصیصه،
برای تربیت فرزند نقش اساسی دارد. نقش زیربنایی
دارد؛ یعنی پدر و مادر در جنبه های دیداری، شنیداری
و رفتاری، باید برای فرزند اسوه حسنه باشند. از نظر
پیکره شان بچه را به یاد خدا می اندازند یا
شیطان؟ نسبت به تبعات شان هم، مسئله
پوشش هم همین طور است.

عَلَيْكَ السَّلَامُ إِشْتَمَلَتْ
شَمْلَةُ الْجَنِينِ؟ وَقَعْدَتْ
حُجْرَةَ الظَّنِّينِ. «مثل جنین
در رحم مادر زانوی غم به
بغل گرفتی؟ و مثل آدم‌های متهم
نشسته‌ای؟»

معلوم می‌شود علی علیه‌السلام وقتی
نشسته بود زانوهایش را در بغلش گرفته بود. در بعضی از
نقل‌ها نوشته‌اند زهرا که داشت این جملات را به علی
علیه‌السلام می‌گفت، یک وقت مؤذن گفت «الله اکبر»
صدای اذان بلند شد، شهادت به وحدانیت داد و بعد تا
شهادت به رسالت رسید، آنجا بود که علی سر را از روی
زانوهایش برداشت، یک نگاه کرد به چهره زهرا، جواب او
را به او داد، گفت: «يُسْرُكَ أَلْ تَسْمَعِي هَذَا وَلَا يَسْمَعُونَ؟»
چون زهرا به او گفته بود که تو آن مرد میدان
جنگ‌ها بودی، تو گرگ‌ها را می‌دریدی! مگس‌ها
جمع شدند دارند تو را می‌درند!
علی علیه‌السلام به چهره زهرا یک نگاهی کرد، گفت:
زهرا! خوشحال می‌شوی که دیگر این شهادت به نبوت
را نشنوی؟ من همان علی هستم که خیبر را فتح کردم،
تغییر نکردم، اما اگر الآن قیام کنم دیگر نامی از پدرت
برده نخواهد شد!

می‌گویند اینجا بود که زهرا گفت: «إِذَا نَصِرَ» حالا
که این است صبر می‌کنم.
اما صبر زهرا...

چنان بر او فشار آوردند که فریادش بلند شد: «یا
أَبْتَاهُ هَكَذَا يَفْعَلُ بِابْنَتِكَ.» ای پدر! با دخترت این‌گونه
رفتار می‌شود...

ادامه دارد...

بین آن‌ها، خطبه هم خواندند؛ اما چگونه رفتند؟ ببینید
پوشش را! این چون تبعات بود گفتم. با چه وضعی
رفت؟ با اینکه خمار بود، پوشش سراسری بود، آن‌قدر
هم بلند بوده که زیر پاهای‌شان می‌رفته، دوباره خبر
کرد که دور او را بگیرند تا اینکه حتی پیکره او را نبینند.
اجنبی او را نبیند.

● حضرت زینب در مجلس یزید

دختر او زینب هم وقتی که در مجلس یزید بود آنجایی
را که دیگر خیلی آتشین شروع کرد صحبت کردن، یزید
را مخاطب قرار داد، گفت: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بِنْتَ الطَّلَقَاءِ
تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَائِكَ وَسَوْفَكَ بِنَاةَ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا
قَدْ هَتَكَتْ سُبُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ.» آیا این از عدالت
است ای پسر آزادشده‌ها؟ که همسرانت را و کنیزانت
را پشت پرده ببری که نامحرم نبیند؟ درحالی‌که
دخترهای پیغمبر را در شهرها گردش بدهی؟ پرده
حشمت آن‌ها را هتک کنی؟ چهره‌های این‌ها را آشکار
کنی که مردهای اجنبی ببینند؟ ببینید ما پیرو این‌ها
هستیم؟ ما تربیت‌شده این‌ها هستیم، جامعه ما آیا
این است؟ شما زهرایی و زینبی هستید؟ من این را
می‌خواستم بگویم.

● توسل

التماس دعا، من دیگر توسل را شروع کنم. زهرا رفت
مسجد، می‌نویسند که علی علیه‌السلام در خانه نشسته
بود، منتظر بود زهرا برگردد. من دیدم نوشتند که علی
علیه‌السلام بارها سرمی‌کشید ببیند زهرا آمد یا نه؟
یک وقت دید زهرا وارد شد، زهرا وارد شد، یک نگاهی
به چهره علی کرد، رو کرد گفت: «يا بِنْتَ أَبِي طَالِبٍ!



زندگی به سبک مولا

خطبه ۲۰۴

آمادگی برای سفر آخرت

آماده حرکت شوید، خدا شما را بیامرزد که بانگ کوچ را سردادید.
وابستگی به زندگی دنیا را کم کنید و با زاد و توشه نیکو به سوی آخرت بازگردید که
پیشاپیش شما، گردنه‌ای سخت و دشوار و منزلگاه‌هایی ترسناک وجود دارد که باید در
آنجاها فرود آیید و توقف کنید.
آگاه باشید که فاصله نگاه‌های مرگ بر شما کوتاه و گویا چنگال‌هایش را
در جان شما فرو برده است.
کارهای دشوار دنیا، مرگ را از یادتان برده و بلاهای طاقت‌فرسا،
آن را از شما پنهان داشته است، پس پیوندهای خود را با دنیا
قطع کنید و از تقوی کمک بگیرید.

مصمم اما بر دبار

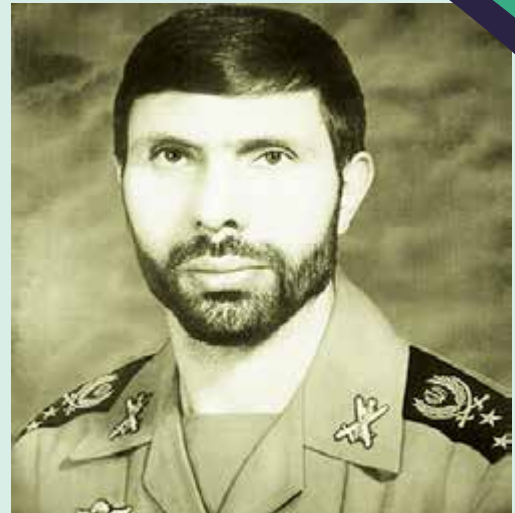
نویسنده: لیلی زهدی

علی در خانواده‌ای نظامی و البته معتقد رشد یافت و از همان دوران نوجوانی راه را از چاه باز شناخت و تکلیفش را با خودش روشن کرد. او جز مسیر حق نرفت و هر روز گام‌هایش را استوارتر از پیش در این مسیر برداشت. او خشت اول را درست نهاد. مابقی راه خودسازی بود که از پس آن هم خوب برآمد. سرد و گرم روزگار از او مردی قوی ساخت. او هرگز فرصت‌ها را از دست نداد و از عقاید و باورهایش پا پس نکشید. مصمم بود و بردبار. در کسب علم و دانش لحظه‌ای کوتاهی نکرد، تا آنجا که اندوخته‌های بی‌نظیر علمی و تجربه‌هایش در کنار حاکمیت عقیده‌اش از او فرمانده‌ای بی‌بدیل در ارتش ساخت. از اینجا به بعد همه زندگی‌اش را وقف مبارزه کرد. وقف اعتلای حق. وقف اعتلای اسلام. وقف اعتلای ایران.

او با تشکیل ارتشی مکتبی، مبارزه با ضدانقلاب در کردستان، پاوه، مریوان و سنندج، ایجاد نظم و امنیت در این شهرها و اجرای بی‌نظیر عملیات‌هایش مثل عملیات مرصاد (که ناکامی گروهک منافقین و از بین رفتن تعداد زیادی از آن‌ها را در پی داشت) خشم و عناد دشمن را برانگیخت. تا آنجا که بغض و کینه چشمان‌شان را کور کرد و دست به ترور اوزدند. اما آن‌ها تو را از ما نگرفتند فرمانده. تو هنوز میان ما و با مایی. آن‌ها با این اقدام‌شان بیشتر منفور عالم شدند.

سپهبد! اصرار داشتی که همه کارها را باید با نام و یاد خدا آغاز کرد و دائم‌الوضو بود. بی‌تردید صبح روز شهادت را با نام خدا آغاز کرده بودی و حتم دارم با وضو از در خانه بیرون آمده بودی. به راستی «شهادت» هنر مردان خداست.

مرد خدا! مرد حادثه! نگاهی، نظری، شفاعتی...



مردان خدا همه شبیه هم‌اند. متفق‌اند در خوبی؛ در خدمت به خلق، در بندگی، در سرسپردگی به مقتدای‌شان، در سختکوشی، در قاطعیت و در اقتدارشان. به‌راستی که علی صیاد شیرازی هم از جگره همان مردان بود که مردانه پای باورهایش ایستاد، سینه سپر آماج حریف کرد و در دفاع از دین و آیینش، حتی اندکی کوتاه نیامد و از پای ننشست.

خاطرات سبز

موقع اذان الله اکبر را که می‌گفتند، تیمسار هم تکبیر نمازش را می‌گفت. این نماز اول وقت، چیزی بود که او هیچ‌وقت ترکش نمی‌کرد. اصلاً جزء متعلقاتش بود... همیشه با وضو بود و بعد از هر وضویی که می‌گرفت دو رکعت نماز می‌خواند، هر جا که بود، حتی در هواپیما.

وقتی الله اکبر نمازش را می‌گفت، تمام بدن آدم می‌لرزید. احساس می‌کردی الله اکبر که گفت دیگر با این

دنیا ارتباطی ندارد. چنان الله اکبر می‌گفت که انگار نماز آخرش را می‌خواند و چنان با عشق نماز می‌خواند که گویی به آسمان وصل شده است.



دریادلان



ایستگاه مقدس (خبر)

در پایگاه هوایی شهید دوران انجام شد؛

باز آماد یک فروند هواپیمای سی-۱۳۰

به گزارش گروه دفاعی امنیتی دفاع پرس، امیر سرتیپ دوم خلبان مسعود جعفری فرمانده پایگاه هوایی شهید دوران شیراز با اعلام این خبر اظهار داشت: به همت متخصصین و کارشناسان زبده و متدین پایگاه هوایی شهید دوران یک فروند هواپیمای سی-۱۳۰ که به مدت چهار سال زمین گیر شده بود، پس از صرف حدود ۲۵ هزار نفر ساعت باز آماد (اورهال) شد و به ناوگان نیروی الهی هوایی پیوست.

وی اظهار داشت: با توجه به تحریم های ظالمانه در سال های گذشته به خصوص در بخش نظامی، این اقدام یکی از مهم ترین راهکارهای مبارزه با تحریم های نظامی و همچنین اثبات اقتدار داخلی در سایه فرماندهی کل قوا محسوب می شود.

فرمانده پایگاه شهید دوران در پایان این مراسم ضمن خداحوت به کارکنان زحمتکش بخش باز آماد، برای آن ها آرزوی سلامتی کرد و انجام چنین کارهای ارزشمندی را در شرایط کنونی کشور، جهاد توصیف کرد.

بدگمانی به خداوند، زمینگیری است، چون در طوفان بی‌امان حوادث اگر فردی جنبه خوشی و ناخوشی را نداشته باشد، زمینگیر می‌شود. با روی خوش نشان دادن دنیا، خود را می‌بازد و از هیجان غش می‌کند. جوگیر می‌شود. و با پشت کردن دنیا نیز از ترس و ناامیدی جان می‌دهد و در هر دو حالت فرصتی برای به هوش بودن و قیام نمودن وجود نخواهد داشت. این افراط و تفریط ناشی از تحلیل نادرست از تلخ و شیرین زندگی است. ذائقه‌ها باید اصلاح شود تا انسان‌ها از مسکین بودن یا همان زمینگیر شدن رها شوند.

ذی‌حجر قدرت قداست کردن دارد و توان تحریک دیگران را برای فراهم آوردن طعام مسکین داراست. ذی‌حجر همیشه روحیه تبلیغ دارد و پیوسته بر شماره هم‌زمانش اضافه می‌کند، چون خوب می‌فهمد لذت بر سفره‌نشستن دیگران و لذت لقمه‌ای که در دهان دیگران می‌گذارد، کمتر از روی آوردن و پشت نکردن دنیا نیست.

دنیا، چه روی خوش نشان دهد و چه چهره در هم بشکند، ذی‌حجر آن را کنار گذاشته است. تا آسوده و سبکبال قیام در راه خدا کند. ذی‌حجر را می‌توان از قدرت جریان‌سازی اش شناخت، چون ایجاد جریان برای طعام مورد نیاز مسکین، شاخص رزمندگی است.

منبع: زندگی به سبک رزمندگی، صفحه ۶۶

حادثه ناوکنارک تسلیت باد



رهاورد (انقلاب)

حق هم با وجودی که حق است، احتیاج دارد به کار و تلاش و کوشش. گمان نکنیم چون حرف ما حق است، پس لازم نیست تلاش کنیم در راهش. فکر نکنیم چون داعیه ما قرآن است، پس خود خدا قرآن را پیش خواهد برد، نه! حرف حق درست است که حق است، درست است که محکوم است و مُسَلَّم است جهان به پذیرش آن در آینده، اما تلاش می‌خواهد، فعالیت می‌خواهد، عده‌ای باید پای آن صبر کنند، عده‌ای باید برای به کرسی نشاندن آن خون دل بخورند.

مقام معظم رهبری، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۴۷۹

تغذیه و بهداشت

امام رضا علیه السلام می فرماید:



به اندازه توان و میل خود در تابستان غذای با طبع سرد و در زمستان غذای با طبع گرم و در دو فصل دیگر غذای معتدل بخور.

بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۱۱

درمان با نوشیدنی‌ها

نوشیدنی‌ها را به دو گروه عمده تقسیم می‌کنند؛ نوشیدنی‌های سرد و نوشیدنی‌های گرم.

هر نوع نوشیدنی جایگاه خاص خود را دارد و اگر به موقع استفاده شود، نتیجه جالبی در برخواهد داشت. نوشیدنی‌ها علاوه بر اینکه نیازمندی‌های بدن را تأمین می‌کنند، بسیاری از ناراحتی‌ها و کسالت‌ها را نیز برطرف می‌سازند.

در این ستون، نوشیدنی‌هایی که برای شما خواننده گرامی مفید است را معرفی کنیم. امید است با استفاده از این نوشیدنی‌ها، همواره از سلامتی و نشاط کامل برخوردار شوید.

شربت شاه توت

مواد لازم: شاه توت رسیده ۱ کیلوگرم، عسل ۵۰۰ گرم، آب سرد به مقدار لازم

طرز تهیه: شاه توت را به همراه عسل در مخلوط‌کن کاملاً مخلوط

کنید. سپس محلول به دست آمده را از صافی عبور دهید تا ماده اولیه شربت آماده شود. یک سوم لیوان را از شربت و مابقی را از آب پر کنید و خوب هم بزنید تا محلول یکنواختی به دست آید.

خواص: از این شربت می‌توان در بیماری‌های کبدی، پوستی و تنظیم دستگاه گوارش استفاده کرد.



دم کرده بادرنجبویه و زیرفون

مواد لازم: یک قاشق مرباخوری بادرنجبویه به اضافه یک قاشق غذاخوری زیرفون در یک قوری با دو لیوان آب جوش به همراه مقداری نبات دم کرده و میل نمایید.

خواص: طبیعت گرم، در بعضی مزاج‌ها بالابرنده قوی فشار خون، مقوی قلب و اعصاب، خونساز، تقویت‌کننده سلول‌های مغزی، آرام‌بخش، خواب‌آور، نشاط‌آور، ضد بیماری‌های کلیوی، ضد بوی دهان

منبع: تغذیه در طب ایرانی اسلامی، دکتر غلامرضا کردافشاری و ...،

صفحات ۱۸۴ و ۱۹۲

درمان با گیاهان

عناب



عناب یک میوه باارزش و یک داروی مفید برای تقویت سیستم مجاری ادراری و دوست کلیه‌هاست. قابل توجه اینکه این گیاه در سیستم ایمنی بدن انسان موجب افزایش ایمنی و بنیه قوی برای اعضای بدن فراهم می‌آورد. فسفر موجود در این گیاه همراه کلسیم و آهن برای پیشگیری از پوکی استخوان، اختلال در استخوان‌سازی طبیعی و تغییر شکل‌های استخوانی به ویژه در اطفال و دردهای عضلانی مؤثر است. عناب یک نرم‌کننده بسیار مناسب و در درمان بیماری‌های تنفسی و بیماری‌های حاد گوارشی و همچنین در عوارض کم‌خونی، بی‌خوابی و اعصاب مفید است.

طبیعت عناب سرد و مرطوب است و قسمت مورد استفاده درمانی و غذایی آن میوه آن است. مواد مؤثره میوه درخت عناب عبارت است از ساپونین‌ها، فلاونوئیدها، قندها، موسیلاژ، ویتامین‌های A.B.C و املاح معدنی مانند کلسیم، فسفر و آهن است.

موارد مصرف عناب

میوه عناب را می‌توان به صورت تازه یا خشک و همچنین به حالت جوشانده (۳۰ گرم میوه عناب + ۷۵۰ گرم آب را می‌جوشانیم و موقعی که حجم محلول به ۵۰۰ گرم رسید صاف می‌کنیم). مقدار خوراک آن یک فنجان چایخوری روزی سه بار و مقدار خوراک میوه عناب ۳ تا ۱۰ عدد است.

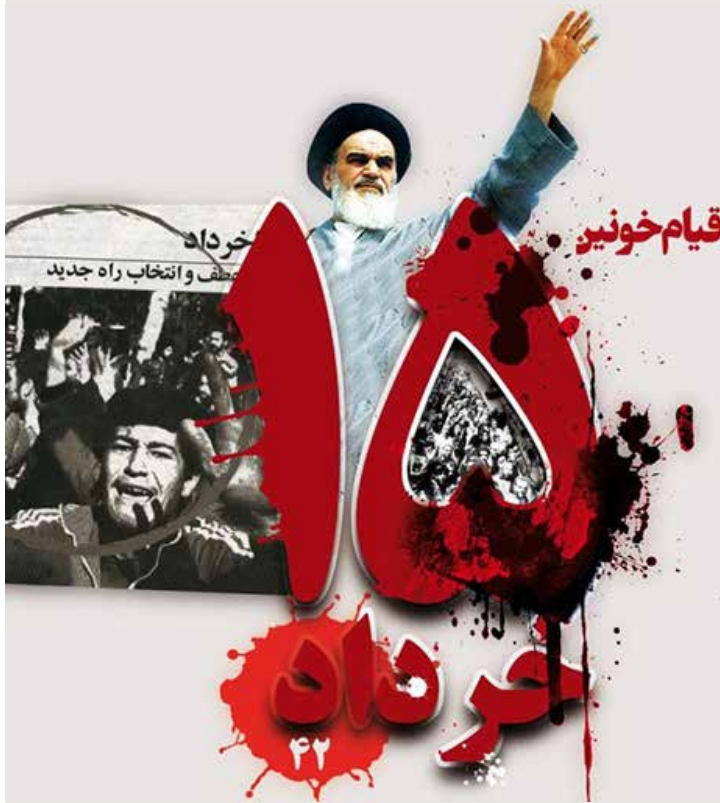
منبع: پیشگیری و درمان بیماری‌ها با پیاز و سیر، دکتر عبدالله

پورعبدالله، صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴

زراره گوید: از امام باقر علیه السلام درباره قضای نماز و روزه حائض پرسیدم. فرمود: بر او واجب نیست که نماز را قضا کند، ولی روزه ماه رمضان را باید قضا نماید. سپس رو به من کرد، و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه (بنت ابی جحش) را به این حکم دستور فرمود، و او نیز به زنان مؤمنه چنین امر می کرد.

منبع: الکافی، ج ۳، ص ۲۱۷

قیام ۱۵ خرداد؛ آغاز حضور فعال زنان در نهضت امام خمینی



دوره قاجاریه را باید شروع وجود و حضور زنان در جنبش های اجتماعی و سیاسی دانست. چرا که آنها با نقش آفرینی در جنبش هایی همچون رژی، مشروطه و... به خوبی در عرصه جامعه ظاهر شده و به وظیفه ملی و دینی خود در برابر استعمار و استبداد عمل کردند. هرچند این نقش تاریخی زنان آنچنان که در خور و شایسته است مورد حمایت قرار نگرفت.

دوره پهلوی که جامعه ایران شاهد نوسازی بود رضا شاه می خواست با کشف حجاب در نظر خودش این قشر را اجتماعی کرده به صحنه اجتماع بیاورد. سیاست رسمی این بود که زنان ایران باید خود را با انتظارات نظم جدید پهلوی تطبیق دهند و آماده سازند. آنها باید در تعلیم و تربیت، لباس پوشیدن و فعالیت های اجتماعی خواهران غربی خود پیروی کنند که این سیاست ها در مواردی با مخالفت زنان به شکست انجامید.

اوج حضور زنان را باید در نهضت امام خمینی و در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دید. درواقع این قیام، آغاز حضور فعال زنان در نهضت امام خمینی به شمار می رود. این قشر به شدت تحت تأثیر سخنان امام خمینی قرار گرفته بودند که دائم در سخنانش به عفت و پاکدامنی زن ایرانی اشاره کرده و با تأکید بر رعایت حجاب اسلامی از حقوق شرعی آنان دفاع می کرد. بی جهت نبود فریاد «خمینی خمینی» آنها در این روز هیئت حاکمه که خود را حامی زنان می دانست، شگفت زده نمود. میزان مشارکت بانوان در قیام بستگی به میزان شدت و ضعف واکنش های شهرها به بازداشت امام داشت. از این رو تهران، قم و شیراز نسبت به دیگر نقاط نقش زنان پررنگ تر بود.

نباید از نظر دور داشت که بعد از قیام ۱۵ خرداد نیز مبارزات زنان همچنان ادامه داشت. هر چند بیشتر جنبه تبلیغاتی به خود گرفت. آنان با حضور در مساجد و برپایی مجالس زنانه شیوه های مبارزاتی را آموخته و برنامه های ضد مذهبی رژیم را نفی می کردند و در تظاهرات ها و راهپیمایی ها نیز حضور داشتند. تا آنجا که مرحوم آیت الله طالقانی در تظاهرات بعد از ۱۵ خرداد زنان را به فرشتگانی تشبیه می کند که مشتهای خود را گره کرده و علیه حکومت پهلوی شعار می دادند.

منبع: مقاله «زنان و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲»

فاطمه حسین پور

کلام مولا

این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند، برای نشاط
آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید.

حکمت ۱۹۷

قیم قرآن

از منصور بن حازم نقل است که به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: خدای متعال، بزرگ‌تر و باکرامت‌تر از آن است که به واسطه خلقتش شناخته شود، بلکه این خلق است که به واسطه او شناخته می‌شوند. امام علیه‌السلام فرمود: سخت درست است.

عرض کردم: کسی که می‌داند او را خدایی است، سزاوار است که این را نیز بداند که همان خدا را، رضا و سخطی است و رضا و سخطش جز به واسطه وحی و یا رسول شناخته نشود؛ پس آنکه خود، پیامبر و رسول نیست، بایستی به جست‌وجوی پیامبر باشد و چون او را جوید، درخواهد یافت که پیامبران، حجت‌خدایند و طاعت‌شان واجب و فرض است. من از مردم پرسیدم آیا نمی‌دانید که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، حجت‌خداوند بر خلقش بود؟ مردم گفتند: آری!

گفتم: حال که ایشان رحلت فرموده، حجت کیست؟

گفتند: قرآن حجت است!

من نیز به قرآن رجوع کردم ولی دریافتم که مرجئان و قدریان و حتی زندیقی که ایمانی ندارد، در (معانی) آن اختلاف نظر دارند و هر کدام برای تفوق و پیروزی بر دیگری از آن بهره می‌جویند! پس دریافتم که قرآن جز به قیمی که هر چه او درباره قرآن بگوید حق است، حجت نخواهد بود. از آنان پرسیدم: قیم قرآن کیست؟ پاسخ دادند: ابن مسعود! او قرآن را خوب می‌داند و همچنین عمر و حذیفه!

گفتم: آیا تمامش را می‌دانند؟

پاسخ دادند: خیر!

پس کسی جز علی علیه‌السلام نیافتم که بگویند او تمام قرآن را می‌داند. چون مسئله‌ای پیش آید، همه گویند نمی‌دانم! ولی آن علی است که می‌فرماید می‌دانم.

پس گواهی می‌دهم که علی علیه‌السلام قیم قرآن بوده، اطاعت از او واجب است و بعد از رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله حجت خداست بر مردم و آنچه او درباره قرآن گوید، حق است.

پس امام فرمود: خدایت رحمت کند...!

منبع: فضایل و سیره چهارده معصوم در آثار علامه حسن زاده آملی



ختم کلام

نویسنده: ل. ز. (اوج)

حال خوشی داشت
همه وجودش «بال» شده بود
بند بندِ جسم زمینی اش در طیران بود
چه خوش طیرانی...
قلبش صفا یافته بود و
دل و جانش جلا
باران بهاری چشمانش شسته بود همه تیرگی های نشستۀ بر جانش را
در شبی که میان او و محبوب هیچ حائل نبود
در شب سجاده و مهر و تسبیح و مغاتیح
در شب احسان و انعام
او آمده بود خودش را بسپرد به آغوش بازِ خدا
آخر، مشفق تر از او نیافته بود
با خودش اشک آورده بود و استغاثه و تمنا
در کوله اش عرض نیاز بود و خواهش و تقاضا
و هر آنچه بود تمنا بود و تمنا بود و تمنا...
مهدی جان!
دیگر الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب هایش لقلقه زبان نبود
یا غیاث المستغیثین هایش هم
آخر، مجیب الدعوات خودش فراخوانده بودش
و او تا سپیده صبح
در همه اللهم انی اسئلك باسمک هایش
در همه نام های مبارک حبیبش، تو را به عشق از خدا خواسته بود
تو را و ظهور تو را برای آشفته حال سرزمینش



جماعتی از اهل مدینه که از اولاد ابیطالب بودند و عقیده حق داشتند (برای امام حسن عسکری علیه السلام پسری قائل بودند که امام دوازدهم است). حقوق آن ها در وقت معینی به ایشان می رسید، چون امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت، دسته ای از ایشان از عقیده فرزندداشتن امام برگشتند، سپس حقوق کسانی که بر عقیده به فرزندداشتن امام ثابت بودند، رسید و از دیگران بریده شد و نام شان از میان برفت. «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

منبع: الکافی، ج ۱، ص ۵۱۸

در قیامت مردم را به امام شان صدا می زنند

محبت معرف انسان است؛ شناسنامه انسان است. در قرآن (سوره اسراء، آیه ۷۱) می خوانیم: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ». در قیامت مردم را صدا می کنند، نه به نام پدر و مادرشان و نه محل شان و نه به نام مرتبه و علم و مدرک و درجه و پست و موقعیت شان، بلکه به امام شان. چه کسی را دوست می داشته؟ پیشوایش که بوده؟ در زندگی به چه کسی دل بسته بوده؟ امام شان را صدا می کنند و می گویند: «اینان بیایند.» مثلاً صدا می زنند که جعفری ها بیایند.

محبت ریشه و هویت انسان است. کسی از معصوم سؤال کرد: «آیا می توانم بگویم کسی که واقعاً عاشق شماست، اما عمل خلاف شرع هم دارد، این آقا فاسق و فاجر است؟!» حضرت فرمودند: «فاسق و فاجر عاشق ما نمی شود و با ما سنخیت ندارد و متحد نمی شود. بگو فاسد العمل و سیئه الفعل است! به خودش کاری نداشته باش؛ عملش را محکوم کن.»

روحش پاک است؛ چون عاشق ماست. انسان با روحش عاشق می شود و به کسی دل می بندد. در واقع هویت انسان به روح انسان است.

آیت الله حائری شیرازی، حکومت جهانی خدا، ص ۱۰۷۷



خبر خوش و مهم

به زودی برگ زرینه دیگر از خدمات فرهنگ، رفاه و خدمات برای استفاده کاربران سایت «اسوه» ورق خواهد خورد؛ ارائه کلیه فایل‌های تبلیغاتی، صوتی، طراحی و... و خدمات مشاوره کارشناسان تغذیه و طب اسلامی، ایران، زنان و... به صورت آنلاین در سایت «اسوه».

<http://www.osveh.org>



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

سرمد پیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانی

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگ، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین‌تر از چهار راه لشکر- روبه‌روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۵-۵۵۴۸۲۰۲۱